

تزئینات نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) گرگان مربوط به دوره سلجوقیان و تیموریان

/// بهاره معیری^{۱*}، مهناز شایسته فر^۲

۱. دانشجوی دکتری هنرهای اسلامی، گروه هنرهای اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانشیار، گروه هنرهای اسلامی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دریافت مقاله: ۱۷ آذر ۱۴۰۳، پذیرش نهایی: ۵ آبان ۱۴۰۴

چکیده

امامزاده اسحاق^(ع)، مشهور به امامزاده نور، یکی از زیارتگاه‌های تاریخی و ارزشمند شهر گرگان است که بنای آن به دوره سلجوقیان بازمی‌گردد. نمای بیرونی این بقعه با آجرکاری‌های هندسی، کتیبه‌ها و مقرنس‌های دوره سلجوقی و در چوبی نفیس متعلق به دوره تیموری، جلوه‌ای از تداوم و شکوفایی هنر معماری اسلامی-ایرانی را به نمایش می‌گذارد. حیات این امامزاده، قرن‌ها یکی از گورستان‌های اصلی شهر استرآباد بوده و مدفن بسیاری از رجال و مشاهیر منطقه به‌شمار می‌رود که نمونه‌هایی از سنگ قبور تاریخی آن اکنون در کاخ موزه گرگان نگهداری می‌شود. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل بصری و زیبایی‌شناختی تزئینات معماری نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) و بازشناسی جایگاه آن در سنت‌های هنری دوره‌های اسلامی است. این تحقیق با رویکردی توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر مطالعات میدانی، کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که تزئینات آجری و چوبی بنا، به‌ویژه در عناصر مقرنس، نقوش هندسی و منبت‌کاری، نقشی بنیادین در تعریف هویت بصری و معنایی این اثر دارند و بازتابی از درک عمیق هنرمندان آن دوره از اصول ترکیب، تعادل و زیباشناسی در معماری اسلامی به‌شمار می‌روند.

واژگان کلیدی

امامزاده اسحاق^(ع)، سلجوقیان، تیموریان، مضامین تزئینی، نمای بیرونی

◀ مقدمه

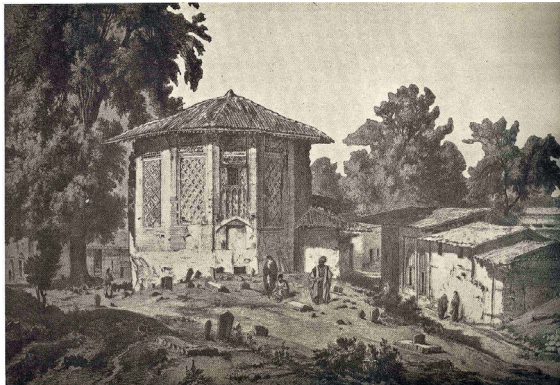
در دوران اسلامی با اهمیت معماری آرامگاهی روبه‌رو هستیم. در ایران به دلیل گرایش‌های مذهبی شیعی ساخت بناهای یادبود بر فراز قبر بزرگان دین و خلفا بیشتر مشهود است. گفته می‌شود اسحاق بن موسی بن جعفر^(ع)، برادر امام رضا^(ع)، قصد مهاجرت به خراسان را داشته‌اند که در جریان تعقیب و گریز در منطقه استرآباد (گرگان قدیم) به شهادت رسیده و در همین منطقه به خاک سپرده می‌شوند. امامزاده اسحاق^(ع) یکی از مفاخر معنوی و روحانی شهر گرگان است که مردم این شهر از سر ارادت، او را شاهزاده اسحاق نامیده و از قرن ششم هجری قمری مرقدی زیبا برایشان بنا نهادند. آن‌چه سینه‌به‌سینه در میان گرگانی‌ها از بزرگترها به جوانترها رسیده، داستان‌هایی است که نشان از اعتقاد و علاقه وافر مردمان این ناحیه به امامزاده اسحاق^(ع) دارند؛ آنها از نوری حرف می‌زنند که بارها از سمت امامزاده به آسمان برخاسته و اجدادشان بارها و بارها از آن صحبت کرده‌اند و به همین سبب گرگانی‌ها امامزاده اسحاق^(ع) را امامزاده نور^(ع) می‌نامند. مطابق با مستندات میراث فرهنگی، بنای امامزاده اسحاق^(ع) با شماره ۳۴۶ به ثبت آثار ملی رسیده است. باستان‌شناسان، در سال ۱۳۸۴ هجری شمسی شمال بنای امامزاده اسحاق^(ع) را حفر نمودند که در آن آثاری متعلق به اواخر دوره ساسانی، اوایل اسلام و سده‌های سوم تا هفتم هجری کشف شد؛ داده‌های فرهنگی به‌دست‌آمده شامل سازه‌های معماری، قطعه‌های آب‌گینه، سفال و غیره بوده است. این امامزاده دارای تزئینات آجری، محراب گچبری، دو لنگه در قدیمی و صندوق چوبی نفیسی است. ضرورت انجام پژوهش به تعلق در چوبی امامزاده اسحاق^(ع) به دوران تیموریان و مقرنس‌کاری و کتیبه‌های نمای بیرونی آن به دوران سلجوقیان است که هدف از پژوهش حاضر، مطالعه فنی و شکلی نقوش و تزئینات نمای بیرونی امامزاده اسحاق است. در این راستا، سؤال مطرح بدین شرح است: تزئینات گرافیکی نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) گرگان از چه اصول و ساختاری بهره‌مند است؟

◀ روش پژوهش

پژوهش حاضر، از زوایای مختلف هنری با تکیه بر روش توصیفی- تحلیلی و تاریخی و نیز با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای، اسنادی و به‌صورت میدانی مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در تجزیه و تحلیل، ابتدا به بیان مضمون و ویژگی تزئینات گرافیکی امامزاده اسحاق^(ع) گرگان پرداخته می‌شود؛ سپس، تزئینات این بنا اجرا و نتایج حاصل از آن به روش توصیفی- تحلیلی ارائه می‌گردد.

◀ پیشینه پژوهش

جدیدترین پژوهش‌های علمی که می‌توان به موضوع مورد تحقیق مرتبط دانست عبارتند از کتابی با عنوان «معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقی» به کوشش غلام‌حسین حاتم (۱۳۹۵) که در سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی به چاپ رسیده است. کنفرانس بین‌المللی با عنوان «بررسی هنر آجرکاری در دوره سلجوقیان» توسط زندگی و همکاران (۱۳۹۵)، در برلین- آلمان به مطالعه هنر آجرکاری به عنوان مصالح اصلی بناهای سلجوقیان پرداخته که به واسطه آن زیباترین نقوش در انواع گل‌چین‌های آجری، گره‌سازی و خط‌های کوفی آجری به‌وجود آمده است. مقاله‌ای با عنوان «تزئینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تزئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی» از شکفته و همکاران (۱۳۹۴)، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۶، به معرفی تزئینات، شناسایی انواع چیدمان‌ها، شناسایی رگ‌چین‌های شاخص و چگونگی تداوم آن در دوران بعدی اشاره دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد، ابتکاراتی مانند تلفیق آجر با کاشی و یا گچ و همچنین کوفی بنایی نیز برای اولین بار در ایران توسط هنرمندان این دوره صورت گرفت؛ به‌طوری که در دوران بعد از آن ترکیب آجرکاری با کاشی بخش اعظم تزئینات را در بر گرفت. تنوع تکنیک، تحولات و ابداعات مختلف رخ داده در این دوره در عرصه تزئینات آجرکاری، موجب شکل‌گیری تکنیک‌های متفاوت آجرکاری در آن عصر و دوره‌های بعد از آن شد. همچنین، مقاله دیگری با عنوان «سیر تکامل مقرنس‌کاری ایران از دوران تاریخی تا صدر اسلام» از خلیلی‌پور و همکاران (۱۳۹۳)، فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش‌مایه، شماره ۲۱، معماری و هنر تزئینی آثار تاریخی ایران را بیانگر استمرار و ارائه سبکی مشخص می‌داند چرا که با آغاز دوران اسلامی تزئینات معماری و رابطه آن با بنا وارد فصل جدیدی می‌شود و مقرنس‌کاری به عنوان یکی از عناصر تزئینی و معماری در این دوران در مرحله تحول شدید قرار می‌گیرد. مقاله دیگری با عنوان «بررسی نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های بصری درهای چوبی مقبره امامزاده عباس ساری و مسجد جامع افوشته اصفهان از دوره تیموری» از کیانمهر و کریمیان (۱۳۹۲)، دوفصلنامه علمی-تخصصی سفالینه، شماره ۱، منبت‌کاری دوران تیموری را از نظر زیبایی‌شناسی و شیوه اجرا از اعصار اعتلای هنر دانسته و به بررسی دو اثر شاخص از این دوران به ویژگی‌های منبت‌کاری تیموریان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد، هنر منبت‌کاری این دوره در مقایسه با دوره ایلخانان غنی‌تر و ظریف‌تر است. همچنین، قالب‌بندی‌ها بیشتر مستطیل، مربع و گاهی محرابی است. کتاب «معماری اسلامی؛ صورت، کارکرد و معنا»، از هیلن‌براند (۱۹۹۴)، در فصل پنجم با عنوان «آرامگاه» به سهم آرامگاه‌ها در شکل‌گیری معماری و تعداد زیاد آنها در کشورهای اسلامی اشاره می‌کند و



تصویر ۲. گورستان امامزاده اسحاق (ع)، عکس مربوط به دوره قاجار (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).

و افراد شهیر این منطقه بوده است (تصویر ۲). سنگ قبرهایی که گاه متعلق به ۴۵۰-۴۰۰ سال پیش بوده و نشان می‌دهد این قبرستان حداقل چیزی در حدود ۶۰۰ سال قدمت داشته که اکنون در کاخ موزه گرگان نگهداری می‌شوند. تاریخ‌های حک شده بر روی مقبره و در چوبی امامزاده اسحاق (ع) سبب شده تا در سال احداث این بنا گمانه‌زنی‌های فراوانی صورت گیرد اما آنچه امروز بر اساس یافته‌ها به واقعیت نزدیک‌تر است، مربوط به ساخت بنای امامزاده در دوران سلجوقیان است.

شناسایی ویژگی‌های اصلی و ساختاری امامزاده اسحاق (ع)

با گذر از در ورودی ساده امامزاده اسحاق (ع)، حیاط آجرکاری شده و یک بنای برج مانند به چشم می‌خورد. بنای دوازده ضلعی که به معماری مقبره‌های این ناحیه شباهت زیادی دارد و سقف شیروانی و شیب‌دار مدرن آن در مقایسه با بدنه بنا آن‌قدر ناملموس است که بیننده را نسبت به شکل و شمایل اولیه بنا کنجکاو می‌نماید. اما دور تا دور بنای چند ضلعی با آجرکاری‌های زیبایی تزئین شده و با ظرافت تمام در نیمه بالایی دیواره‌های بنا به کار رفته و جلوه‌ای زیبا بدان بخشیده است. با عبور از آجرکاری‌ها و پنجره‌های جنوبی نورگیر این بنای زیبا، مقرنس‌کاری‌های آجری خارق‌العاده‌ای مشاهده می‌شود که تزئینات ظریف و زیبایی آن نشان از هنرمندی و تسلط سازندگان بنا می‌دهد که چگونه با استفاده از آجر، به این بنای ساده روح و جان بخشیده‌اند. کنده‌کاری‌های زیبا بر روی آجرها، این مقرنس را به آثار تاریخی دوره سلجوقی نسبت داده است. در ادامه، به تزئینات آجری، مقرنس‌کاری و در چوبی امامزاده اسحاق (ع) در نمای بیرونی بنا پرداخته می‌شود.

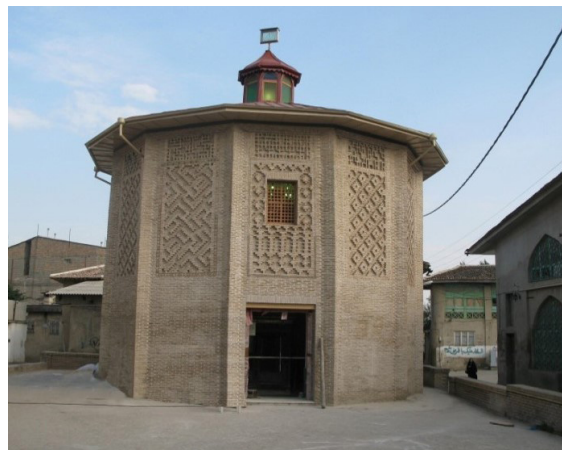
تزئینات آجری نمای بیرونی امامزاده اسحاق (ع)
باید اقرار کرد که تزئینات جزءالاینفک معماری اسلامی است و

برخی ویژگی‌های اجتماعی و مذهبی آرامگاه‌ها را دلیل این تعدد می‌داند. پس از ریشه‌یابی پیدایش آرامگاه‌ها به این نتیجه می‌رسد که سوریه و آرامگاه شهدای مسیحی یکی از منابع الهام مسلمانان در ساخت مقبره بوده است. وی ادعا می‌کند که در تاریخ معماری آرامگاه‌های ایران، دو گونه اصلی مشاهده می‌شود: مقبره چهارگوش گنبدی و مقبره برجی. به عقیده وی، مقبره سامانیان در بخارا که قدمت آن به قبل از سال ۳۳۱ هجری قمری می‌رسد، شاهکار آرامگاه‌های چهارگوش گنبدی و گنبد قابوس نمونه‌ای شاخص و ممتاز در مقبره برجی است.

مبانی نظری: تاریخچه امامزاده اسحاق (ع)

تمام خطه سرسبز شمال کشورمان ایران، از گیلان تا گلستان، گاهی در میان جنگل‌های مه‌آلود، گاهی بر فراز کوه‌ها و گاهی در میانه شهرها و روستاها امامزاده‌های کوچکی مشاهده می‌شوند که نزد مردم احترام و قداست خاصی دارند. اغلب این امامزاده‌ها چندین قرن قدمت داشته و حالا علاوه بر قداست و وجهه مذهبی‌شان، ارزش تاریخی و فرهنگی نیز دارند. در کوچه پس‌کوچه‌های قدیمی شهر گرگان نیز که با پیشینه چندین هزار ساله‌اش پر از تاریخ است و تا همین چند سال پیش استرآباد نامیده می‌شد، امامزاده‌ای وجود دارد که گرگانی‌ها آن را امامزاده نور (ع) می‌نامند؛ امامزاده اسحاق (ع)، معروف به امامزاده نور (ع)، زیارتگاه تاریخی واقع در محله سرچشمه گرگان می‌باشد (تصویر ۱).

مطابق با مستندات میراث فرهنگی گرگان، بنای امامزاده نور (ع) دارای پلان دوازده ضلعی است و بر روی رأس اضلاع خارجی، بیرون‌زدگی‌های مثلثی شکل وجود دارد که تا بالای نما ادامه می‌یابد؛ طول هر ضلع بنا از خارج حدود دو متر و از داخل هفت متر است و ارتفاع بنا در حال حاضر، تا جایی که پوشش بام شروع شود هشت متر می‌باشد. از سده‌ها قبل حیاط این امامزاده یکی از گورستان‌های اصلی استرآباد و محل دفن رجال



تصویر ۱. امامزاده اسحاق (ع) گرگان.

را به نخستین رنسانس ایرانی تعبیر نموده است (حیدری باباکمال و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۸). قبل از سلجوقیان، در دوران آل بویه و غزنویان، تزئینات آجری در بناها به کار رفته و مراحل تکامل را طی نموده که این مراحل در معماری عهد سلجوقی به کمال رسید. در این عصر غنی‌ترین طرح‌ها و فرم‌های تزئینی از آجر ابداع گردید و هنرمندان سلجوقی از ردیف‌های آجر به صورت سایه‌روشن و طرح‌های تازه و ایجاد حالات مختلف، به تزئینات زیبایی دست یافتند که با این مصالح ناچیز سابقه نداشت (حاتم، ۱۳۹۰: ۲۴۲). در این راستا، نمای بیرونی بناها زمینه مناسبی برای اعمال ذوق و سلیقه هنرمندان به‌ویژه در هنر آجرکاری بود تا عظمت و زیبایی خیره‌کننده‌ای را القا کند. تزئینات به خشونت و سنگینی آجر روح بخشیده و آن را زیبا، سبک و بی‌وزن می‌نماید. ویژگی چشم‌گیر بناهای عصر سلجوقی استفاده فراوان از آجر است که معماران ایرانی در این بهره‌گیری، مهارت و هنر خود را به نمایش گذاشتند (پترسون^۳، ۱۹۹۶: ۳۷).

بر روی اضلاع امامزاده اسحاق^(ع)، تزئینات آجری گل‌انداز^۴، گره چینی^۵ و برجسته‌سازی با ظرافت تمام به چشم می‌خورد که جلوه‌ای زیبا بدان بخشیده و یادگاری از هنرمندان ایرانی در عصر سلجوقیان است (جدول ۱). هر قاب آن‌قدر بزرگ است که طرح به‌خوبی خود را نشان می‌دهد، اما طرح‌ها تکراری نبوده و هر طرح امکان توسعه بیشتر را دارد. نشانی از تزئین افراطی وجود ندارد و هر قاب حاشیه‌ای تزئینی باریک با نقش‌مایه‌هایی از سفال برجسته دارد. به نظر می‌رسد توفیق یا عدم توفیق چنین تزئینی، همان‌قدر که به طرح قاب‌ها بستگی دارد، به ابعاد و محل قرار گرفتن آنها نیز وابسته است.

بسیار محتمل است که تعدادی از کتیبه‌های کوفی مربعی، شکل پیشرفته‌تر برخی از انواع طرح‌های آجری ساده‌تر بوده باشد (هیلن‌براند و سپاهانی، ۱۳۸۴: ۸۸). از جمله ویژگی‌های قاب‌های بزرگ در امامزاده اسحاق^(ع) گرگان، پیچیدگی آنهاست که گاه‌آبادآور طرح‌های خط کوفی مربعی می‌باشد. قاب‌های امامزاده اسحاق^(ع) نسبت به بیشتر طرح‌های آجری در قرن‌های ۱۱ و ۱۲ تکراری نبوده و از کنار هم قرار گرفتن و ترکیب چند شکل هندسی پایه نیز تشکیل نشده است. یافتن بنای سلجوقی دیگر با چنین طرح‌های پیچیده مشکل است. طرح‌ها قسمتی از سبک متمایز محلی را تشکیل داده و طرح‌های مناره مسجد جامع گرگان بیش از همه با طرح قاب‌های امامزاده اسحاق^(ع) قابل مقایسه است.

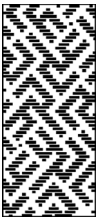
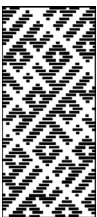
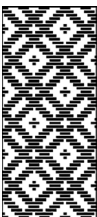
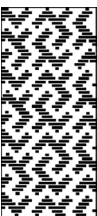
بیشترین چیدمان‌های آجری از جمله رگ‌چین‌ها به شکل‌های متنوع و گسترده در ابنیه دوره سلجوقی به کار رفته‌اند. شیوه گل‌چین از شیوه‌های معمول تزئینات آجرکاری است که در اکثر ابنیه سلجوقی به‌ویژه مساجد به کار رفته است. نمونه‌های منحصربه‌فردی از این تکنیک در دوره

بخش عمده‌ای از معماری اسلامی به آن تعلق دارد. تزئینات عملکرد وسیع و ارزشمندی در راستای اهداف معماری اسلامی و حتی در شکل‌گیری، دوام و بقای آن دارد (خزائی، ۱۳۸۲: ۲۲۴). عصر سلجوقی یکی از مهم‌ترین دوران هنر اسلامی می‌باشد که تحولات بسیاری را در هنر ایران، به‌ویژه تزئینات معماری، به‌وجود آورده است. در این دوران به دلیل آرامش و ثبات سیاسی قلمروی سلجوقیان، هنرمندان شرایط مناسب‌تری داشته و توانستند آثار متعددی را خلق نمایند (کیانی، ۱۳۷۴: ۵۴). البته با وجود وزیری دانشمند چون خواجه نظام‌الملک در دستگاه حکومتی، همچنین وجود شاگردان ابن‌سینا و شاعران بزرگی چون ناصرخسرو، خیام و خاقانی در این دوره، پربار شدن افراد و هنرمندان و رونق صنایع و فنون سلجوقی نباید چندان دور از ذهن باشد. عصر سلجوقی در ایران تقریباً دو سده ادامه یافت؛ از ۴۲۹ هجری قمری با فتوحات سلجوقیان آغاز شد و تا استقرار ایلخانان مغول در قرن هفتم هجری قمری ادامه یافت (بازورث و دیگران، ۱۳۸۰: ۷۶). تحولات و ابداعات متفاوتی چون استفاده از تکنیک‌های مختلف گچ‌بری، استفاده از کاشی و آجرکاری در این دوره سبب شد تا تزئینات معماری عصر سلجوقیان و دوران بعد از آن، چون خوارزمشاهی و ایلخانی، نسبت به دوران اولیه معماری اسلامی از تنوع و گستردگی بیشتری برخوردار گردند (کاتلی و هامبی، ۱۳۷۶: ۲۱-۱۹).

به عبارتی دیگر، ویژگی‌های معماری اسلامی ایران در عصر سلجوقیان (برگرفته از عناصر معماری قبل از خود) شکل واحدی یافت و در دوران بعدی نیز مورد تقلید و یا تکمیل قرار گرفت (هیلن‌براند، ۱۳۷۹: ۱۴۱). در مورد پیشرفت‌های معماری عصر سلجوقی باید به این موضوع اذعان کرد که در این عصر، تحولی عظیم در معماری ایرانی پس از اسلام به‌وقوع پیوسته است. مطالعات دقیق بسیاری از شاخص‌های هنر معماری سلجوقیان حکایت از تأثیرپذیری آنها از هنر و معماری دوره ساسانی دارد (اکبری، ۱۳۹۰: ۸۰). به‌طورکلی، معماری عصر سلجوقیان از استحکام و زیبایی خاصی برخوردار است که با گذشت یک‌هزارسال، مهارت و استادی هنرمندان و استادکاران و آگاهی آنان از شیوه‌های گوناگون معماری و تزئینات وابسته به آن در بناهای باقی‌مانده قابل مشاهده است. تحولات رخ داده در عصر سلجوقی، به‌مرور انواع جدیدی از تزئینات معماری از لحاظ شکل، کارکرد، نحوه اجرا و مفاهیم مرتبط با آن را در معماری اسلامی ایران به‌وجود آورد. اشکال جدید معماری و ظهور شیوه‌های تزئینی نوین، موجب گردید تا معماری ایران به تدریج شکلی نهایی به‌دست آورد و در نهایت به هماهنگی و پختگی کامل برسد.

درک هیل^۱، سبک و روش آثار هنری عصر سلجوقیان را دومین عصر کلاسیک اسلامی دانسته و گاستون وایه^۲ آن

جدول ۱. طراحی خطی تزئینات آجری نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع)، دوره سلجوقیان (تدوین: نگارندگان).

ردیف	تصویر اصلی	تزئینات	طرح خطی	نوع نقش
۱				تکرار حروف مقدس علی به صورت برجسته
۲				تکرار نقش لوزی شکل به روش گلانداز
۳				تکرار حروف مقدس الله به صورت برجسته
۴				تکرار حروف مقدس محمد به صورت برجسته
۵				تکرار نقوش هندسی به صورت برجسته
۷				تکرار نقوش هندسی به صورت برجسته
۸				تکرار نقوش هندسی به صورت برجسته

توازن و وحدت را به نمایش می‌گذارد. شایان ذکر است، در آجرکاری سلجوقی برخی حاشیه‌های تزئینی وجود دارند که در اکثر بناها مشاهده می‌شوند؛ این حاشیه‌ها معمولاً از آجرهای قالبی لوزی و دایره در کنار یکدیگر و یا آجرهای قالبی S شکل هستند. ترکیب لوزی و دایره در کنار یکدیگر، متداول‌ترین آنها در تزئینات آجری دوره سلجوقی و ایلخانی است. نمونه‌های این شیوه تزئینی آجرکاری‌ها در مسجد جامع اصفهان، گوشه‌سازی‌های گنبد مسجد برسیان، گنبد مسجد جامع گلپایگان، محراب مسجد گز و دور گنبد مسجد ایزران قابل مشاهده است. همچنین، این طرح‌ها بر بدنه اکثر مناره‌های عصر سلجوقیان مانند منار زیار، پامنا زواره و منار چهل دختران نیز به کار رفته است. هنرمندان سلجوقی، در حاشیه قاب‌ها و کتیبه‌های نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) نیز از حاشیه‌های تزئینی رایج در آن دوران بهره برده‌اند. (جدول ۲)

قاب‌هایی مستطیل شکل در قسمت بالایی قاب‌های اصلی نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) نیز وجود دارد که به شیوه‌ای متفاوت از قاب‌های پایین تزئین شده و برخلاف قاب‌های اصلی که با دو یا چند ردیف آجر تزئین شده‌اند، طرح‌ها در این بخش با یک ردیف آجر تکی ترسیم گردیده‌اند (تصویر ۳). این قاب‌های کوچک، ترکیب ساده‌ای از آجرهای عمودی و افقی بوده، به ندرت از آجرهای مورب استفاده شده و نقوش به صورت مربع‌هایی در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. همچنین، نیمه پایین بنای امامزاده اسحاق^(ع) بدون تزئین بوده و با عنایت به عدم نشانی از تعمیر در وجوه بنا، به نظر می‌رسد وضعیت اولیه خود را حفظ نموده و منطقی نیست که قاب‌های بزرگ آجرکاری در بخش فوقانی بنا را برای بخش پایینی نیز در نظر گرفت.



تصویر ۳. قاب‌های کوچک آجرکاری شده در بخش فوقانی بدنه بنا، قبل از مرمت (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).

سلجوقی را در زیر گنبد‌های مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع اردستان، مسجد زواره و مسجد جامع برسیان می‌توان یافت. همچنین، مفاهیم هندسی آجرکاری نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع) را می‌توان به پنج دسته تنوع نقوش، تناسب و هماهنگی^۴، تعادل^۵ و توازن، ارزش فضای مثبت و منفی^۶ و نیز تقارن^۷ تقسیم نمود:

تنوع نقوش: مفهوم بصری تکرار در تزئینات هندسی آجرکاری‌ها امری بنیادی و اساسی به شمار می‌رود. احتمال این که تکرار تزئینات با الگوهای اولیه اندک، منجر به یکنواختی شود و نیز عدم استفاده از رنگ در تزئینات، توجه به طراحی انواع مختلف طرح‌های هندسی در یک بنا را ضروری نموده است (بینای مطلق، ۱۳۷۳: ۲۸). تنوع در قاب‌ها و کتیبه‌های آجری نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع)، موجب تحرک، پویایی و ایجاد ضرب‌آهنگ‌های متغیر در بنا شده است.

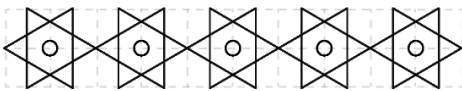
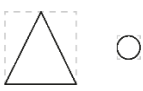
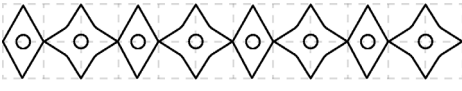
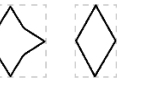
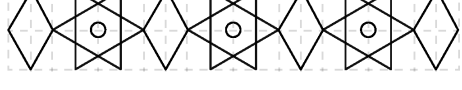
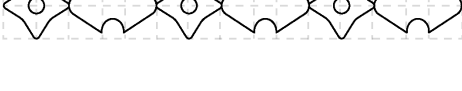
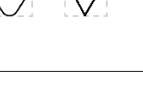
تناسب و هماهنگی: توجه به تناسب ابعاد، نوع طرح و میزان حجم و برجستگی تزئینات آجرکاری‌ها با موقعیت قرارگیری در مکان و فضا رابطه‌ای دوسویه دارد (رشوند، ۱۳۹۱). در آجرکاری نمای بیرونی امامزاده اسحاق^(ع)، هر طرح با ویژگی مستقل و خاص خود با نقش مجاور خویش و نیز موقعیت قرارگیری آن، یک‌پارچه و هماهنگ است؛ در نتیجه رابطه‌ای آهنگین و منسجم را در ساختار بنا به وجود آورده است.

تعادل و توازن: در تزئینات هندسی آجرکاری‌ها بی‌آن که تأکید و توجه بر عناصر خاصی باشد به هر عنصر به اندازه برابر تأکید و توجه می‌کند. بر پایه تفکر توحیدی، نور اقدس با پرتوی یکسان و برابر بر کائنات تابیده است و هیچ موجودی نسبت به دیگری برتری ندارد. در نتیجه توازن و نسبت تزئینات در یک بنا، انعکاسی از وحدت و هماهنگی پرتو حیات بخش الهی بر کائنات است (بورک‌هات، ۱۳۶۹: ۱۴۵). در آجرکاری امامزاده اسحاق^(ع) نیز انواع تزئینات و نقش‌مایه‌های هندسی حساب شده در جایگاه مناسب خود قرار دارند و هر عنصر به اندازه‌ای مورد توجه قرار گرفته که دیگر عناصر مجاور را تحت تأثیر قرار ندهند.

ارزش فضای مثبت و منفی: از شاخص‌های آشکار تزئینات آجرکاری‌ها، اهمیت و ارزش برابر فضاهای مثبت و منفی است که عناصر هندسی با ویژگی و تأکیدی برابر نمایش داده می‌شوند (نصر، ۱۳۷۵: ۵۱). در آجرکاری امامزاده اسحاق^(ع)، فضای مثبت و منفی هم‌چون روح و جسم، مکمل یکدیگرند و هرکدام از این فضاها ارزش خاص خود را دارند.

تقارن: در هنر ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و جزء مبانی پایدار و درون‌مایه تزئینات هنر اسلامی محسوب می‌گردد (پاپادوپولو، ۱۹۷۹: ۶۲). در آجرکاری امامزاده اسحاق^(ع) نیز تقارن اشاره به زیبایی‌شناسی آینه‌ای معماری اسلامی دارد و ابدیت را با تکرار طرح‌های متقارن، نمادپردازی نموده که احساس هماهنگی،

جدول ۲. طراحی خطی نقوش تکرارشونده دور حاشیه کتیبه‌های نمای بیرونی امامزاده نور^(۴) (تدوین: نگارندگان).

ردیف	تصویر اصلی	دور حاشیه	طرح خطی	زیر نقش	جایگاه ترسیم
۱					دور حاشیه کتیبه حروف مقدس علی
۲					دور حاشیه کتیبه تکرارشونده لوزی
۳					دور حاشیه کتیبه حروف مقدس محمد
۴					دور حاشیه کتیبه حروف مقدس الله
۵					دور حاشیه کتیبه با نقوش تکرارشونده هندسی
۶					دور حاشیه کتیبه با نقوش تکرارشونده هندسی
۷					دور حاشیه کتیبه با نقوش تکرارشونده هندسی

مقرنس‌کاری امامزاده اسحاق^(۴)

چند آلت معین و محدود پدید می‌آید. از منظر نجیب اوغلو، مقرنس نوعی کاربردی متشکل از طاسه‌هایی است در ردیف‌های انتظام و هر ردیف خود حامل ردیف دیگری است که از بالای آن بیرون می‌زند (نجیب اوغلو، ۱۳۷۹: ۴۰۷). مقرنس یا گوشواره در ساختمان‌ها به صورت طبقات روی هم فشرده برای تبدیل شکلی به شکل دیگر، به خصوص مربع به دایره که گنبد بر آن قرار می‌گیرد، به کار می‌رود (محمدحسن، ۱۳۸۸: ۵۴). این عنصر تزئینی در معماری اسلامی چه از نظر کثرت استعمال، چه از لحاظ تعدد موارد و چه از جهت

مقرنس‌کاری از جمله عناصر تزئینی در معماری است که در زیباکردن بناهای ایرانی به خصوص مساجد و مقبره‌ها نقش مهمی دارد. با بررسی آثار دوران تاریخی می‌توان دریافت که مقرنس ابتدایی بناها نقشی کاربردی داشته، لیکن به تدریج به نقشی تزئینی تبدیل و در بناها جلوه‌گر می‌شود. هنر مقرنس‌کاری در قرن ششم هجری قمری به صورت عنصری وحدت‌بخش و مشترک در معماری جهان اسلام شکوفا شد. این اتصال نمادین آن‌گاه مورد تحسین بیشتر قرار می‌گیرد که بدانیم اجزاء سازنده مقرنس کم و این مجموعه تنها از ترکیب

وسعت عالم اسلام اهمیت ویژه‌ای داشته و شاید به همین دلیل اصولاً این تزئین را روشی اسلامی می‌دانند (حاتم، ۱۳۹۰: ۲۵۲).

حاکمان سلجوقی در معماری از تشکیل سبک‌ها و بناهای مؤثری حمایت کردند که به فرم‌های پیشین معماری اسلامی در ایران کیفیت دقیقی بخشید. بدین‌گونه، حمایت پادشاهان و هنرنمایی هنرمندان موجب شد که اشکال معماری قدیم به‌صورتی معین متبلور شود (ویلبر، ۱۳۶۵: ۳۴). هنر مقرنس‌کاری در عصر سلجوقیان در مرحله تحول شدید قرار گرفت و به سمت عناصر ساسانی از جمله تالارهای مربع بزرگ رفت و چون سقف این نوع تالارها به کمک گوشواره ساخته می‌شد، زمینه بسیار مناسبی جهت توسعه مقرنس‌ها فراهم گردید. به عبارتی، هنرمندان سلجوقی گرایش را که در عصر ایلخانان تکمیل شد آغاز نموده و مقرنس‌ها را با ردیف‌های بیشتر و استقامت داخلی کمتر احداث کردند (فریه، ۱۳۷۴: ۹۰). شایان ذکر است، کاربرد این عنصر تزئینی در معماری عهد سلجوقیان تنها در بنای اصلی مساجد، مقابر و مناره‌ها نیست بلکه در زوایای محراب‌ها نیز از استفاده شده است.

مطابق با مستندات میراث فرهنگی گرگان، تزئینات ظریف و زیبای مقرنس‌کاری‌های امامزاده اسحاق^(ع) نشان از تسلط سازندگان بنا می‌دهد که چگونه با استفاده از آجر، به این بنای ساده روح و جان بخشیده‌اند به دوره تاریخی سلجوقی باز می‌گردد. دو وجه هفتم و دهم امامزاده اسحاق^(ع) دارای

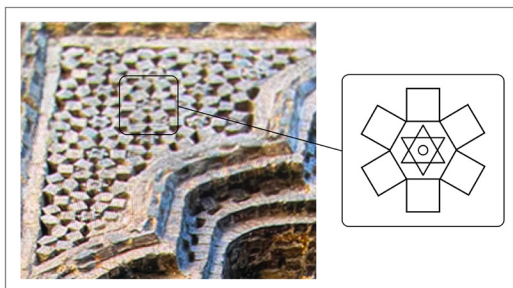
مقرنس‌کاری و در ورودی هستند (تصاویر ۵-۴). وجه هفتم تنها وجهی است که در قسمت فوقانی آن قاب برجسته کار نشده است، در عوض قابی بزرگ از ستاره‌های ده پر متصل به هم را شامل می‌شود؛ نقشی که در دیگر وجوه تکرار نگردیده است. این وجه بیش از سایر وجوه دارای سفال لعابدار می‌باشد؛ دو طرف گوشه پایینی قاب با طرح ستاره‌ای به رنگ فیروزه‌ای، درون فضایی مثلثی شکل جای دارد و با بیرون‌زدگی گل‌های زنبق از رأس‌های مثلث، تزئین شده است و هر دو ترکیب به کمک نوارهایی از سفال لعابدار از دیگر بخش‌های قاب جدا شده‌اند (جدول ۳). همچنین، قاب میانی در مقرنس‌کاری وجه دهم، دارای طرحی از شش ضلعی‌هایی است که به یکدیگر متصل بوده و ستاره‌ای شش پر نیز در مرکز آنها قرار دارد (تصویر ۶).

◀ در چوبی امامزاده اسحاق^(ع)

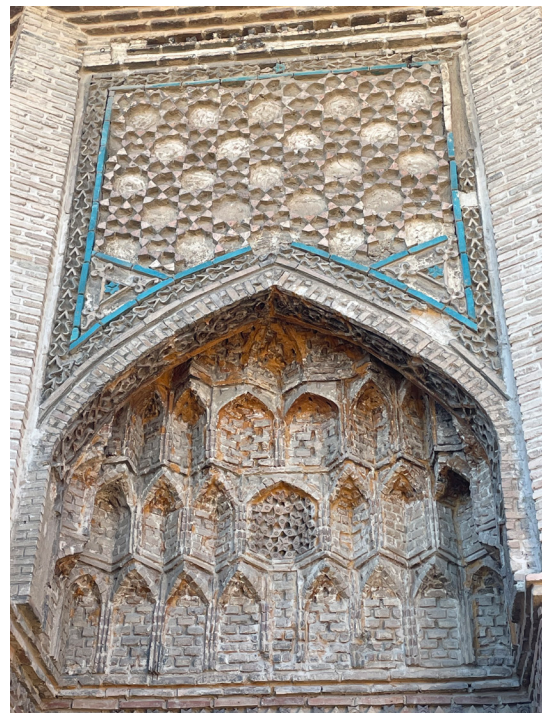
می‌توان هنر منبت را بنابر نوع طرح، نقش و تکنیک‌های مورد استفاده در عصر تیموری، به‌خصوص از قرن نهم هجری به بعد، عصر طلایی منبت‌کاری نامید. در عصر تیموری هنر منبت‌کاری رنگ‌وبویی ایرانی یافت. پیچ‌وتاب بسیار و تراکم



تصویر ۵. مقرنس‌کاری وجه دهم امامزاده اسحاق^(ع).

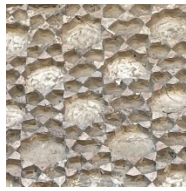
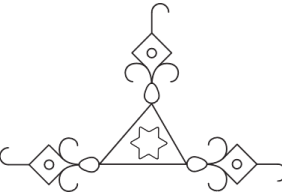
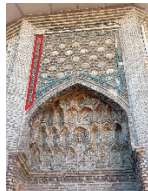
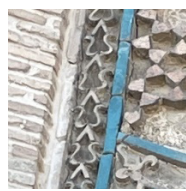
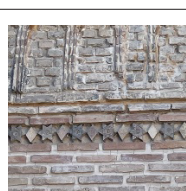


تصویر ۶. الگوی تزئینی بخش فوقانی مقرنس‌کاری وجه دهم امامزاده اسحاق^(ع).



تصویر ۴. مقرنس‌کاری وجه هفتم امامزاده اسحاق^(ع)، دوره سلجوقیان.

جدول ۳. طراحی خطی تزئینات مقرنس کاری وجه هفتم امامزاده اسحاق^(ع)، دوره سلجوقیان، مأخذ: نگارندگان.

ردیف	تصویر اصلی	تزئینات	طرح خطی	نوع نقش
۱				ستاره های ده پر متصل به هم
۲				ستاره ای فیروزه ای در مرکز مثلث به همراه بیرون زدگی گل های زنبق از رأس ها
۳				ترکیب دو فرم S شکل به صورت قرینه و مثلثی در رأس آن و نیز تکرار نقوش در کنار یکدیگر
۴				چیدمان شش لوزی در کنار هم که شش ضلعی را ایجاد نموده، ستاره ای شش پر در مرکز آن قرار دارد و در کنار یکدیگر تکرار شده اند
۵				ترکیب ستاره شش پر و لوزی در کنار یکدیگر

طبیعت گرایانه همراه با ظرافت و دقت نظر در جزئیات بود. «این سبک نقش مایه های گیاهی و اسلیمی برای تزیین سنگ قبرها، قاب بندی های تزیینی دیواری، پایه ستون ها و بازوی درب های آثار ماوراءالنهر و سمرقند بکار رفته است» (شراتو و گروه، ۱۳۷۶: ۶۸).

اهمیت استفاده از انواع درب ها، در معماری و یادمان های تاریخی تمدن های مختلف بر کسی پوشیده نیست؛ درب ها با ابعاد و اشکال و شیوه های ساخت و مصالح و حتی تزئینات گوناگون کاربری های متنوعی هم چون ایجاد و محافظت از حریم ها را داشته اند. گزارش های به دست آمده از بناهای چغازنبیل و تخت جمشید نیز گواهی بر کاربرد استفاده از درب های چوبی و سنگی با قدمت های چند هزار ساله است (شاهپور شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۲). درب ها همواره، جزو ارکان مشترک

نقش که دستاورد هنر استپ نشینان مغول بود، کم کم با طراحی و نقش مایه های ایرانی درآمیخت. روسازی مقعر نقوش پخته شد و با بن مایه نمادها و اساطیر ایران به اوج رسید. هنری که توانست از قرن ۹ هجری، با هویتی ایرانی بر صندوق ها و درب ها نمایان گردد.

«شکوفایی هنر تیموری در عصر شاه رخ اتفاق افتاد. در این زمان بناهای زیادی ساخته شد. عموماً این بناها واجد نوعی وحدت معماری و تزئینات بودند» (میرجعفری، ۱۳۹۳: ۱۲۹). مهم ترین کمک و مساعدت تیموریان در عالم معماری، تزیین ساختمان ها بود. خطاطی مخصوصاً با عطف توجه به قرآن، از فضایل شمرده می شد و اشکال مختلف آن پیوند مستقیم با دیدگاه و جهان نگری صوفیان داشت. از آداب و سنن نقاشی و خطاطی پایان سده هشتم تذهیب نسخ خطی با طرح های

شیوه کنده‌کاری خواه گل و بوته و یا شاخ و برگ انتزاعی، تابع قواعد تقارن، انعکاس، تکرار و نظم هندسی است و کتیبه‌ای کنده‌کاری شده بر چهارچوب این در نیز مشاهده می‌شود. از نظر ساخت‌وساز یا همان درودگری باید گفت در چوبی امامزاده اسحاق^(ع) به شیوه قاب و صفحه کار شده و به صورت دو لتی نجاری گردیده است. هریک از لنگه‌های در شامل سر قاب (دو قاب در طرفین و یک مستطیل کشیده در میان) است. فرم ترنج در نمایی عمودی بر قاب مستطیل کشیده در بخش میانی هر لنگه در نقش شده است که می‌توان آن را از عناصر بصری خاص در دوره تیموری محسوب نمود. همچنین، در لچکی قاب‌های اصلی در امامزاده اسحاق^(ع)، طبیعت‌گرایی و دسته شاخه باطراوت گل و برگ به زیبایی نقش بسته و گویی قاب را گل و برگ در آغوش گرفته است (تصویر ۸). شاخه‌های افشانی که به گل‌های ریز و درشت مزین شده و انبوهی از گل و برگ را به نمایش می‌گذارند. یقیناً این سطح از پختگی را باید در «آرامش دولت ۴۳ ساله شاهرخ و جانشینانش پی‌جویی کرد» (میرجعفری، ۱۳۹۳: ۸۷).

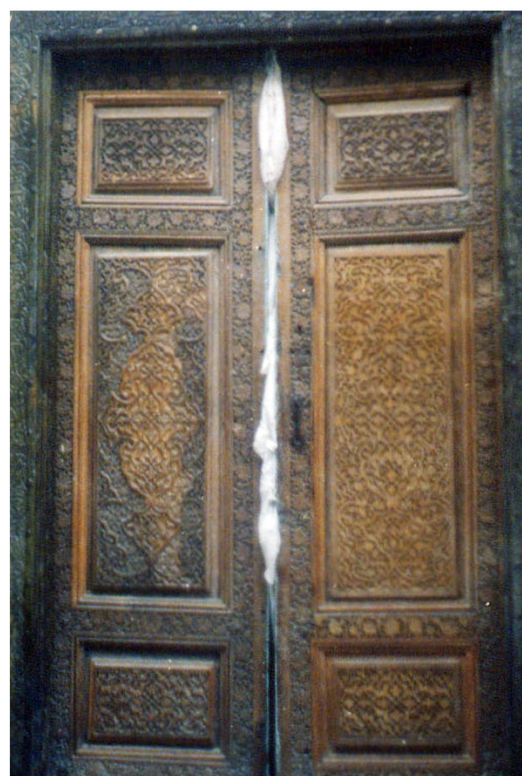
اساساً، آن چیزی که موجب می‌گردد که این درب‌های ارزشمند با اصالت جلوه نمایند، تزئینات آنهاست؛ به صورتی که سازنده می‌بایست در کنار مسائل فنی مربوط به ساخت، نوع نقوش و تزئینات آن را نیز مدنظر قرار می‌داد؛ از جمله

در ابنیه و یادمان‌های تاریخی و فرهنگی هستند. به‌طوری‌که، امروزه می‌توان آنها را به عنوان بخشی از عناصر اصلی و هویت‌بخش در معماری سنتی و آرایه‌های آن محسوب نمود. آثار بجای مانده در بقعه قاسم‌بن عباس در مجموعه شاه‌زند سمرقند (۸۰۸ هجری)، درب‌های گور امیر سمرقند، یا در مسجد لویی در ترکستان از اواخر قرن ۸ هجری (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۳: ۷۵۷) و سایر نمونه‌ها در خراسان (شیخی، ۱۳۹۵) نیز فراورده‌های منطقه نطنز و حوزه نفوذ آن در ایبانه، کاشان، قم، اصفهان و بقاع متبرکه شمال ایران به‌ویژه مازندران و حتی آذربایجان و همدان از هنری با اهمیت خاص سخن دارد و قداست ویژه‌ای را روایت می‌کند. همچنین، درب‌ها اغلب علاوه بر تزئینات، دارای کتیبه‌هایی مشتمل بر متون مذهبی و ادعیه هستند که حاوی اطلاعات مهمی از دوره تاریخ ساخت آنهاست.

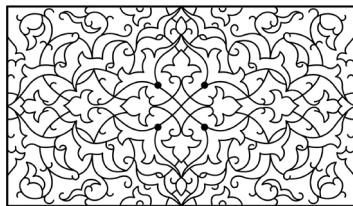
امامزاده اسحاق^(ع) نیز دارای یک جفت در قدیمی کنده‌کاری شده است که منبت‌کاری آن چشم‌ها را نوازش داده و بر آن تاریخ ۸۶۷ هجری قمری حک گردیده که نشان می‌دهد یادگاری از دوران تیموریان است (تصویر ۷). به نوشته کتیبه موجود، در امامزاده اسحاق^(ع) به فرمان امیر بهادر فرزند امیر جلال‌الدین بایزید و توسط فردی به نام حاجی محمد ساخته و به امامزاده اسحاق^(ع) اهدا گردیده است. تزئینات این در به



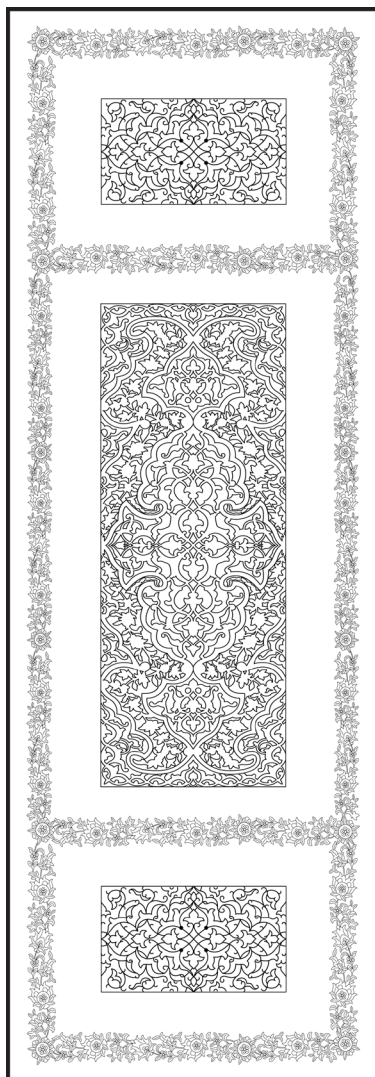
تصویر ۸. شاخه‌های افشان گل و برگ و کتیبه چهارچوب در اصلی امامزاده (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).



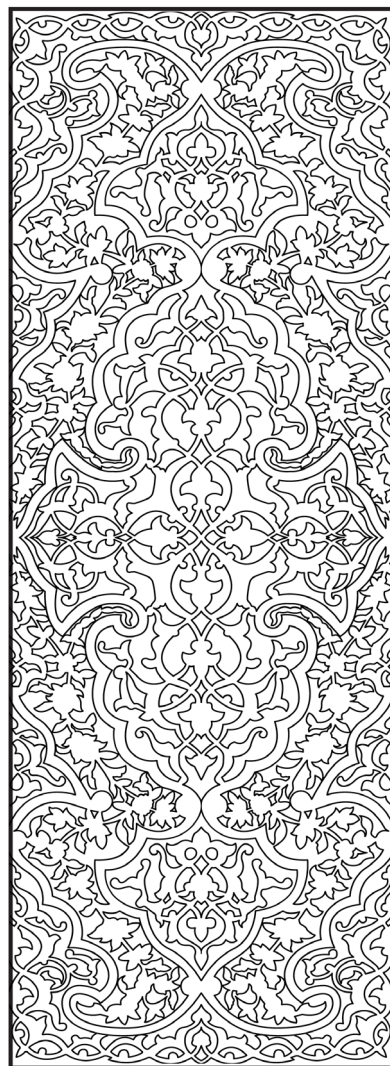
تصویر ۷. در منبت‌کاری شده امامزاده اسحاق^(ع)، دوره تیموریان (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).



تصویر ۹. طرح خطی از تزئینات دو قاب مستطیلی در طرفین در منبت‌کاری شده امامزاده اسحاق^(ع) (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).



تصویر ۱۱. طرح خطی از تزئینات نمای کلی در منبت‌کاری شده امامزاده اسحاق^(ع) (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).



تصویر ۱۰. طرح خطی از تزئینات قاب عمودی مستطیلی در قسمت میانی در امامزاده اسحاق^(ع) (مأخذ: میراث فرهنگی گرگان).

بقعه امامزاده اسحاق^(ع)، معروف به امامزاده نور، کوشیدتابانگاهی نظام‌مند و تحلیلی، جایگاه این بنای مذهبی را در بستر تاریخ هنر و معماری اسلامی ایران بازخوانی کند. یافته‌ها حاکی از آن‌اند که این آرامگاه با برخورداری از ویژگی‌هایی نظیر نقشه دوازده ضلعی، آجرکاری‌ها با نقوش هندسی و گیاهی، مقرنس‌کاری سلجوقی، و در

دلایل آن، می‌توان به ایجاد نقوش به صورت متقارن و با الگوهای معین اشاره نمود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر بررسی ساختار کالبدی و تزئینات معماری

معماری ایرانی-اسلامی در دوره‌های سلجوقی و تیموری اند؛ دورانی که در آن، توازن میان فرم و معنا، ساخت و تزئین و ساختار و محتوا به اوج خود رسیده است. این ویژگی‌ها، امامزاده اسحاق^(ع) را به الگویی منحصر به فرد برای تحلیل سبک شناختی معماری مذهبی شمال ایران بدل کرده است بنابراین، حفاظت و مستندسازی دقیق این اثر تاریخی، نه صرفاً به عنوان یک بنای میراثی، بلکه به عنوان شاهی زنده از تلفیق فرهنگ، هنر و دیانت در بوم ایرانی ضرورت دارد. همچنین، پیشنهاد می‌شود که مطالعات تطبیقی گسترده‌تری میان این بقعه و دیگر آرامگاه‌های هم دوره در مناطق همجوار انجام گیرد تا زمینه‌های نادیده انگاشته شده در سیر تحول معماری مذهبی ایران بهتر شناسایی شود.

چوبی نفیس تیموری، در شمار نمونه‌های شاخص و ماندگار هنر و معماری تاریخ اسلام قرار دارد. این اثر نه تنها به عنوان یک بنای مذهبی با عملکرد آیینی شناخته می‌شود، بلکه با درهم تنیدگی عناصر زیبایی شناختی، مهندسی ساخت و باورهای مردمی، به مثابه یک متن فرهنگی پیچیده عمل می‌کند؛ متنی که سطوحی از تاریخ، هویت، دین و حافظه جمعی مردم گرگان را در خود نهفته دارد. روایت‌های شفاهی نسل به نسل، تجلی نورانیت در باور عامه و جایگاه امامزاده در ذهنیت جمعی ساکنان، همگی گواهی بر پیوندی دیرپا میان فضا، خاطره و ایمان مردمان این سرزمین است. از منظر تاریخی و هنری، جزئیات تزئینی به ویژه در سطوح آجری و کتیبه‌های بنا، نشان دهنده تداوم و پویایی سنت‌های

پی‌نوشت‌ها

1. Derek Hill
2. Gaston Wiet
3. Petersen
۴. نقوشی که از ترکیب آجرها به دست می‌آید (پیرنیا، ۱۴۰۱: ۳۶۵).
۵. در نماسازی اگر تکه‌های کار از شکل‌های هندسی باشد به آن گره چینی می‌گویند (پیرنیا، ۱۴۰۱: ۳۶۴).
6. Proportion and Harmony
7. Balance
8. Positive and Negative Space
9. Symmetry

فهرست منابع

- اکبری، امیر (۱۳۹۰)، تأثیر هنر و معماری ساسانیان بر معماری عصر سلجوقی، *فقه و تاریخ تمدن*، سال هفتم، شماره ۲۷.
- بازورث، کیلیفورد ادموند؛ دیلوا، دارلی دران؛ راجرز، کاهن؛ لمبتون؛ رابرت هیلن براند (۱۳۸۰)، *سلجوقیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۹)، *هنر مقدس*، ترجمه جلال ستاری، تهران: انتشارات سروش.
- پیرنیا، محمدکریم (۱۴۰۱)، *آشنایی با معماری اسلامی ایران*، تهران: نشر گلجام. ویرایش بیست و ششم
- حیدری باباکمال، یدالله؛ زارعی، محمد ابراهیم؛ دهقان، مریم؛ حاج حسینی، محسن (۱۳۹۳)، مطالعه تئینات گچبری محراب‌های دوره سلجوقی؛ مسجد ملک کرمان از دیدگاه هنر اسلامی، *مطالعات تاریخ اسلام*، سال هفتم، شماره ۲۳.
- حاتم، غلامعلی (۱۳۹۰)، *معماری اسلامی ایران در دوره سلجوقیان*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی.
- خزائی، محمد (۱۳۸۲)، نمادگرایی در هنر اسلامی، *مجموعه مقالات اولین همایش هنر اسلامی*، وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۴۲-۱۴۵.
- خلیلی پور، اکرم؛ همتی، اسماعیل؛ طاووسی، محمود (۱۳۹۳)، سیر تکامل مقرنس‌کاری ایران از دوران تاریخی تا صدر اسلام، *فصلنامه علمی-پژوهشی هنرهای تجسمی نقش مایه*، شماره ۲۱، ۱۹-۷.
- رشنوند، زینت (۱۳۹۱)، تبیین مفاهیم تئینات هندسی آجرکاری معماری سلجوقی، *کتاب ماه هنر*، ۱۶۳، ۹۱-۸۶.
- شکفته، عاطفه؛ احمدی، حسین؛ عودباشی، امید (۱۳۹۴)، تئینات آجرکاری سلجوقیان و تداوم آن در تئینات دوران خوارزمشاهی و ایلخانی، *فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی*، شماره ۶، ۱۰۶-۸۴.
- شاهپور شهبازی، علیرضا (۱۳۹۵)، *راهنمای مستند تخته جمشید*، تهران: فرهنگسرای میردشتی، سفیران. چاپ سوم
- شراثو، امیرتو؛ گروه، ارنست (۱۳۷۶)، *هنر ایلخانی و تیموری*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- شیخی، علیرضا؛ تند، احمد؛ سامانیان، صمد (۱۳۹۷)، سنجش تاریخی و تطبیقی ویژگی‌های فنی و نقش پردازی درهای چوبی موزه بزرگ خراسان، *فصلنامه علمی و پژوهشی نگر*، دوره ۱۳، شماره ۴۵، ۱۱۵-۱۰۴.
- فریه، ردلیو (۱۳۷۴)، *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: انتشارات فرزاد.
- کیانمهر، قباد؛ کریمیان، معصومه (۱۳۹۲)، بررسی نقش مایه‌ها و ویژگی‌های بصری درهای چوبی مقبره امامزاده عباس ساری و مسجد جامع اصفهان از دوره تیموری، *دوفصلنامه علمی-تخصصی سفالینه*، دوره ۱، شماره ۱، ۸۳-۶۷.
- کاتلی، مارگرد؛ لوثی هامبی (۱۳۷۶)، *هنر سلجوقی و خوارزمی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: انتشارات مولی.
- کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۶)، *تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، انتشارات سمت.
- محمدحسن، زکی (۱۳۸۸)، *هنر ایران در روزگار اسلامی*، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران: انتشارات صدای معاصر.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۹۳)، *تاریخ جامع ایران*، ج ۱۸، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی. سرویراستار صادق سجادی
- میرجعفری، حسین (۱۳۹۳)، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان*، تهران: دانشگاه اصفهان و سمت.
- نجیب اوغلو، گل‌رو (۱۳۷۹)، *هندسه و تزئین در معماری اسلامی*، ترجمه مهرداد قیومی بیدهندی، تهران: انتشارات روزه.
- نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، *هنر و معنویت اسلامی*، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر.
- ویلبر، دونالد (۱۳۴۶)، *معماری اسلامی ایران*، دوره ایلخانیان، ترجمه عبدالله فریار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- هیلن براند، رابرت (۱۳۷۹)، *معماری اسلامی*، فرم، عملکرد و معنی، ترجمه ایرج اعتصام، تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- سایت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان گلستان، <https://golestan.mcth.ir/cat/1047>
- Petersen, A. (2002). *Dictionary of Islamic Architecture*, New York: Routledge.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Published by Soore University. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0)

